

۱۸۶۰۱۸۹

به نام یزدان پاک

شاهپور دوم

حاجی سمکاه مدنی

آوازه ایریشمی

سرشناسه	سماک محمدی، علی، ۱۳۵۷ -
عنوان و نام پدیدآور	شاهپور دوم/ علی سماک محمدی.
مشخصات نشر	تهران: انتشارات آوازه ابریشمی، ۱۳۹۶.
مشخصات ظاهری	۲۰۸ ص.: مصور.
شابک	۹۷۸-۶۰۰-۷۹۷۶-۵۴-۸
وضعیت فهرست نویسی	فیا
موضوع	شاهپور ساسانی دوم، شاه ایران، ۳۷۹ م.
موضوع	ایران -- تاریخ -- ساسانیان، ۲۲۶ - ۶۵۱ م.
موضوع	Iran -- History -- Sassanids, ۲۲۶-۶۵۱
رده بندی کنگره	DSR ۱۳۹۶۴۴۴ ۲ش۸/س
رده بندی دیویی	۳۳۱/۹۵۵
شماره کتابخانه ملی	۳۹۰۷۴۵۶

شاهپور دوم

علی سماک محمدی

صفحه آرای: پروانه

آرامی جلد: آتوسا ابریشمی

مشاور تاریخی: حامد رضایی

طراحی: شی: باخترا

نوبت چاپ: اول ۱۳۹۶

شمارگان: ۱۱۰۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۹۷۶-۵۴-۸

مدیر تولید: نسیم محمدپور

ناظر چاپ: محمدرضا ابریشمی

انتشارات آوازه ابریشمی

انقلاب ۱۲ فروردین پاساژ فروردین ط ۱

تلفن ۶۶۴۹۱۵۱۹ - فکس ۶۶۹۶۹۵۱۶

فهرست مطالب

۸	مقدمه
۱۲	تولد شاهپور دوم
۱۸	ساسانیان و اعراب در قرن چهارم میلادی
۳۴	ایران و روم در دوره زمامداری شاهپور
۶۱	آغاز عملیات جنگی پیروزمندانه در غرب
۸۱	حرکت امپراتور روم به سوی تیسفون
۱۰۰	نبرد بزرگ نهاوند
۱۲۱	خلاصه گزارش امینیوس
۱۲۶	روابط ایران و ارمنستان در دوره شاهپور
۱۳۶	شاهپور در کتب نویسندگان دوره اسلامی
۱۶۱	آثار باقی مانده از شاهپور
۱۷۵	گزیده ای از تاریخ شاهپور در کتب نویسندگان جدید

مقدمه مولف

در بررسی کشورها، اقوام و ملل مختلف جهان، بارها به لحظاتی بر می خوریم که می توانیم قرینه ای شبیه به آن را در گذشته شان بیابیم و این یعنی تکرار پذیر بودن تاریخ. یکی از این لحظات تکرار شدنی، ظهور یک پادشاه و یا یک سیاستمدار قدرتمند در لحظه ای حساس در تاریخ یک کشور است.

در دوره ساسانی تولد شاهپور دوم ملقب به بزرگ (کبیر) یکی از همین وقایع تکرار شدنی در تاریخ کشورمان به حساب می آید. درست در لحظه ای که سرزمین های ایران‌شهر به یک نجات دهنده معنی یار داشت، شاهپور دوم ظهور کرد و کشور ایران را که در حال سپری کردن یکی از تاریک‌ترین لحظات دوران حیاتش بود، را نجات داد. او با بهره گیری از هوش ذاتیش و همچنین سعی و تلاش شاه روم، ایران را به بالاترین قله های پیشرفت و سرفرازی هدایت نمود و به این دلیل می توان وی را «نایب‌الجبی دانست که بدو اطلاق کرده اند: شاهپور بزرگ (کبیر) کلاوس شیمان به حق، دوران وی را «اوج» در تاریخ ساسانیان» بشمار آورده است.

با مرگ شاهپور یکم (۶۰-۷۱)، دوره ای در تاریخ سلسله ساسانی آغاز گشت که چندان به مذاق مردم بزرگ ایران و روح بزرگسالی و بی قرارشان خوش آیند نبود. با روی کار آمدن ساسانیان، شاهنشاهی بزرگ ایران به مدت چهل سال در برابر امپراطوری معظم روم دست بالا را احراز کرده بود، حال در دوران جانشینان شاه یکم ناچار شده بود قسمتی از افتخارات شیرین و پیروزی های بزرگ گذشته را با شکست هایی تعویض نماید. به سلطنت رسیدن هرمزد اول و پس از وی ایزود سه گانه بهرام ها، هرگز نتوانست مردم سرزمین ایران را به گوشه ای از افتخارات دوران باشکوه اردشیر بزرگ و پسرش شاهپور برساند. نرسی خواست با این دیگر دوره شکوه و جلال ساسانیان را با شکست امپراطوری روم تجدید نماید، با اینکه وی تمام سعی خویش را در این راه بکار بست و حتی در ابتدا نیز توانست به گوشه ای از آنچه مد نظرش بود دست یابد ولی بخت با وی یاری نکرد و پس از شکست از روم و عقد قرارداد سال ۲۹۸ با آن دولت، بزرگترین ضربه روحی را به خود و مردم سرزمینش وارد نمود.

با کناره گیری و سپس مرگ نرسی، دوره ای دیگر از تاریکی بر ایران مستولی شد. این دوره به حدی سیاه بود که حتی اوضاع سیاسی و نظامی ایران بسیار بدتر از زمان بهرام های سه گانه گشت.

دوران تاریک و سیاه شاهنشاهی بهرام یکم و پسر و نوه اش (بهرام دوم و سوم) در برابر تاریکی های سالهای حکومت هرمزد دوم و سپس مسئله جانشینی او همانند روز در برابر شب بود.

قبل از بروز برخوردهای سیاسی بر سر مسئله جانشینی هرمزد دوم، اختلافاتی میان شاهزادگان ساسانی برای رسیدن به تخت و تاج ایران بروز کرده بود ولی هرگز چنین خصمانه نبود. کشور به تاریکی فرو رفت و اگر امپراطوری روم سرگرم درگیری های داخلی نبود، به یقین می توانست ضربات جبران ناپذیری بر دولت و ملت ایران وارد نماید.

کشتن برخی از شاهزادگان و کور کردن برخی دیگر از آنها برای ممانعت از برتخت نشستن شان، در تاریخ این سلسله بی سابقه بود و تقریباً تا پایان عمر این سلسله، دست کم، کم سابقه باقی ماند. مگر در سالهای پایانی حیات ساسانیان، که خواهیم دید چگونه این برادرکشی و ظهور نکردن به موقع یک مرد بزرگ، کشور را به باد نزارت ویرانه و نابودی اعراب مسلمان داد. شاید اگر در سال ۶۳۲ میلادی به جای یزدگرد سوم که فردی ضعیف و ترسو بود، مردی فولادین چون شاهپور دوم بر تخت می نشست ایران هرگز در برابر اعراب چنین شکست نمی خورد و قافیه را واگذار نمی کرد.

اما در سال ۳۰۹، یا ۳۱۰ میلادی، بخت با مردم ایران یار بود و پادشاهی شکوهمند ساسانی با تولد نوزادی کوچک، به طور معجزه آسایی نجات پیدا کرد و ارج بدرت خود رسید. جلال و شکوه گذشته بار دیگر تجدید شد و ارتش روم با همه قدرت و صلابت چنان با در برابر فرزندان ایران زمین سر تعظیم فرود آورد و زانو زد. سرزمین های از دست رفته بر طبق قرارداد صلح سال ۲۹۸ یا مساعی شبانه روزی مرد بزرگ این دوران، شاهپوردوم، بار دیگر به آغوش میهن بازگشت.

نصیبین، مهمترین شهر بین النهرین شمالی، پس از شصت و پنج سال اشغال توسط رومیان دگر بار جزئی از خاک ایران گشت.

مارسلنیوس آمینیوس افسر و نویسنده رومی که در این دوران می زیسته، گوشه هایی از شجاعت، دلیری و خستگی ناپذیری شاهنشاه ایران را در گزارش های خود برای مان به یادگار گذاشته است. او شاهنشاه را تقریباً از نزدیک دیده و نوشته هایش بسیار به حقیقت نزدیک است، چون وی برای بیان تاریخ این دوران یک شاهد عینیست، به همین دلیل نوشته هایش برای مورخان بسیار حائز اهمیت می باشد.

ایران در دوره هفتاد ساله سلطنت شاهنشاه بزرگ نه تنها از لحاظ نظامی بلکه در عرصه های اجتماعی و اقتصادی و کشاورزی به پیشرفتهای قابل توجهی دست پیدا کرد. شاهپور دوم یک مرد جنگی صرف نبود او به خوبی می دانست تنها توجه به مسائل نظامی نمی تواند او را در جبهه های خارجی پیروز نماید، بلکه باید نخست به امور داخلی پرداخت. در ابتدا مردم و رعایای شاهنشاه باید در رفاه قرار می گرفتند و آنگاه بود که آنان حتی در بذل جان خویش بر سر آرمانهای شاهنشاهی دریغ نمی کردند. این حسن نظر شاهنشاه بزرگ را می توان از طولانی شدن اولین برخورد رومی- ساسانی در این زمان به خوبی دریابیم. اولین برخورد ایران و روم در این دوران بیست و هفت سال بعد از بر تخت نشستن شاهپور دوم آغاز گشت که این امر نشان می دهد که شاهپور دلمشغولی هایی در داخل ایران داشته است. در این زمان خواسته با رفع همه آنها با تمام توان به مصاف حریف نیرومندش برود.

شاهپور در ابتدا به مشکلات داخلی و دشمنان کوچکتر پرداخت، مانند اعراب، و با سروسامان دادن به اوضاع داخلی به هدف غایی و نهایی خود که همانا آغاز جنگ و جبران شکست های ایران از روم بود، نزدیک تر شد.

شاهپور بزرگ به بهترین وجه ممکن از پس روم برآمد، هرچند بارها در راه رسیدن به اهداف خود ناکام ماند ولی سرانجام با پایداری و استقامت سال زدنی به آنچه می خواست دست یافت و نشان داد که آدمی برای رسیدن به اهداف خود باید تا چه اندازه در کارها صبور باشد و استقامت به خرج دهد. وی ضمناً به ما نشان داد که هدف هرچه قدر بزرگتر در دراز مدت، دست نیافتنی نیست و با سعی و تلاش می توان پشت مشکلات را به خاک مالید.

اراده قوی و اصرار تا رسیدن به پیروزی نهایی از صفات بارز شاهنشاه بزرگ ایران بود. به طور مثال او برای تصرف نصیبین بارها آن شهر را محاصره نمود و از شکست بازماند. نشد، بلکه از آنها درس گرفت تا اینکه سرانجام به مقصود خود دست یافت.

خوشبختانه برای پرداختن به این قسمت از تاریخ دوره ساسانی چندان با کمبود منابع و مواخذ روبرو نیستیم، هر چند منابع آنطور که شایسته این دوران است بدان نپرداخته اند اما نسبت به سایر دورانها از منابع بیشتری برخورداریم. امیدوارم با بیان این قسمت از تاریخ پر افتخار کشورم بتوانم گوشه ای از دین خود به خاک آبا و اجدادیم را ادا کرده باشم، هرچند قبل از من نویسندگان و مولفان بسیاری در این زمینه مطلب نوشته اند ولی خود این مولف تا امروز کتابی که تنها مختص به شاهپور دوم باشد را ندیده است. امید است تلاش مولف مورد توجه خوانندگان گرامی قرار بگیرد.

در پایان این جلد از تاریخ سلسله بزرگ ساسانی را به همسر خوب و مهربانم، دخترم سایه و خانواده عزیزم تقدیم می‌کنم زیرا آنان همیشه در بدترین شرایط زندگی در کنارم بوده و همواره مشوق و یارم در این مقاطع سخت بوده‌اند. باشد که با تقدیم این اثر به همسرم بتوانم تنها گوشه‌ای از زحمات او را جبران نموده باشم، زیرا وی در سخت‌ترین روزهای حیات زندگی مشترکمان چون کوه ایستاد و در ارائه این اثر به مولف یاری فراوان رسانید.

علی سماک محمدی

نوزدهم مهر ماه هشتاد و هشت

www.ketab.ir